■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی ■ سردبیر: روحا... رجایی

جام جم

■ شاپا: ISSN1735-3637
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام جم)

شنبه ۲۴ خرداد ۱۳۹۹ | ۲۱ شوال ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیست و یکم - شماره ۵۶۸۰ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Saturday - 2020 June 13

حدیث روز: نهج‌الفصاحه

پیامبر اسلام (ص):
داناترین مردم، کسی است که دانش دیگران را به دانش خود بیفزاید.

پلک احساس: حافظ

عرضه کردم دو جهان بر دل کارافتاده
به‌جز از عشق تو باقی همه فانی دانست

امروز در تاریخ

- تقاضای خلع محمدعلی شاه از سلطنت از سوی انجمن‌های ایالتی کشور (۱۲۸۷ ش)
- فروش هشت ناو جنگی هلند به ایران (۱۳۵۷ ش)
- آغاز نخستین جنبش سراسری و بزرگ فلسطینی‌ها علیه صهیونیست‌ها (۱۹۲۱ م)
- پرتاب اولین موشک زمین به زمین توسط آلمان نازی علیه انگلستان (۱۹۴۴ م)

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۳/۰۴ | غروب آفتاب: ۲۰/۲۱
اذان مغرب: ۲۰/۴۲ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۱۱
اذان صبح (فردا): ۴/۰۲ | طلوع خورشید (فردا): ۵/۴۸

پیش‌بینی آب و هوا یکشنبه

تهران	اهواز	اصفهان	اردبیل	بندرعباس	رشت	زاهدان	کرمان
۳۶ / ۲۴	۴۵ / ۲۷	۳۹ / ۱۹	۳۲ / ۱۳	۳۹ / ۲۹	۳۵ / ۲۳	۴۰ / ۲۲	۳۷ / ۱۷

حکمت ۱۱۶ نهج‌البلاغه

چه بسا کسی که با نعمت‌هایی که به او رسیده به دام افتد و با پرده پوشی بر گناه، فریب خورد و با ستایش شدن آزمایش شود و خدا هیچ کس را همانند مهلت دادن نیازموده.

خودنویس

مرثیه‌ای برای عمران و آل او...



حامد عسکری
شاعر و نویسنده

آن روز در شرکت نشسته بودیم که مردی کت و شلواری آمد با یک مامور کلانتری و به علت بدهی شرکت، در آنجا را پلمب کرد و رفت. ساعت حدود ده صبح بود. زنگ زدم به مدیر شرکت. خیلی راحت گفت: یه شماره کارت بده حقوق این برج رو بدم... برای جواب بعد خبرت می‌کنم. شکستم. ویران و سرگردان تا ساعت معمول و متداول که هر روز خانه می‌رفتم در خیابان‌ها چرخیدم و رفتم خانه. تازه دخترم به دنیا آمده بود و استرس مطلع شدن همسرم برایش سم بود. چند هفته دقیق هفت صبح بیدار می‌شدم و تا عصر ساعت چهار توی پارک ایرانشهر می‌چرخیدم و بعد می‌رفتم خانه. حقوق مرحمتی کم‌کم ته می‌کشید و دلشوره روز به روز ورم می‌کرد توی دلم. حدود سه بعد از ظهر بود که همسرم زنگ زد و گفت برای دخترمان پوشک بخرم. پول یک بسته پوشک توی حسابم نبود. زنگ زدم به حسین و گفتم ماشین‌ات را دو ساعت نیاز دارم. پیاده رفتم تا دفترش و پرایدش را گرفتم. ۱۸ هزار تومان مسافرکشی کردم. ۵۰۰۰ تومانش را بنزین زدم و ۱۱ هزار تومانش را پوشک خریدم و دوباره پیاده رفتم خانه. دروغ چرا؟ خیلی سخت گذشت. در مسیر چندباری بغضم ترکید و آرزوی مرگ کردم. خبر عمران روشنی مقدم کارگری که پریروز خودش را حلق آویز کرد، می‌خوانم. خبرها می‌گویند از اردیبهشت حقوق نگرفته. خبرها نمی‌گویند، اما ناگفته پیداست نمی‌شود حقوق نگرفته باشی و جایی بدهکار نباشی. نمی‌شود از کسی دستی نگرفته باشی. نمی‌شود از جلوی سوپرمارکت و بقالی و قصابی رد نشوی و آه نکشی. می‌گویند آنزیم دستور به خودکشی توی مغز که ترشح می‌شود باید ده دقیقه خودت را مدیریت کنی. عمرش همین قدر است. بگذرانی‌اش تا مدتی بیمه‌ای. من به این فکر می‌کنم، همه آن مدتی که عمران رفته دفتر امور مالی، همه آن مدتی که از لوله بغل چاه بالا رفته، آن لحظه‌هایی که گره می‌زده، همه این دقایق بیشتر از ده دقیقه طول کشیده، ولی انگار عمران تصمیمش را گرفته بود و آنزیم آن قدری زور داشته که همه این دقایق توی سرش وول می‌خورده. آقایان مدیرعامل و مسؤول و مدیر... عمران که رفت. حواستان به عمران‌های دیگر و آل‌شان باشد. گاهی خیلی زود دیر می‌شود.

گفت‌وگو با هوشنگ توکلی درباره سبک زندگی کارگری

بیمه‌ها حامی کارگران نیستند

کافه میرداماد



عکس: سایت سینما

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

آن‌قدر اهمیت دارند که روزی در تقویم جهان برایشان در نظر گرفته شده. روزی به نام «کارگر». آن‌قدر طیف وسیعی دارند که همه مردم حتی مرفه‌ترین و پولدارترین‌شان، روزانه با آنها در ارتباطند و حشر و نشر دارند و گاهی حتی زندگی روزمره‌شان به کار آنها بستگی دارد. از خانم خانه لاکچری بگیر که کارگر یا کارگرهایی در خانه‌اش کار می‌کنند یا کارخانه‌داری که کارگرها چرخ تولیدش را می‌چرخانند. کارگرها اما همیشه در مظلوم‌ترین نقطه گردونه روزگار قرار دارند، گروهی که به گفته خیلی‌هایشان همیشه خدا هشت‌شان در گرونُه است و تامین معیشت روزانه پیرشان را درآورده. با هوشنگ توکلی، بازیگر پیشکسوتی که هم به مسائل اجتماعی اشراف دارد و هم به سیاست هم صحبت شدم تا درباره کارگران و سبک زندگی و رویکرد اجتماعی‌شان برایمان بگوید. گروهی وسیع از جامعه که اگر نباشند، چرخ کشور نمی‌چرخد، اما کمتر کسی به فکر تامین نیازمندی‌های آنهاست.

نوجوانی و جوانی خود را در محله‌هایی سپری کرده‌اید که بیشتر مردمش کارگر بودند. چه تصویری از این محله‌های کارگرنشین دارید؟

در جامعه ما دو طیف کارگر وجود داشته و دارند. قبل از انقلاب یک گروه از آنها آموزش دیده بودند و در استخدام کارخانه‌ها و کارگاه‌های کلانی بودند که قوانین کار در آنجا حاکم بود و کارگران از رفاه نسبی برخوردار بودند، بیمه داشتند، تامین اجتماعی از آنها حمایت می‌کرد و تعاونی‌های مسکن و کالا داشتند که به نوعی از آنها حمایت می‌کرد. این گروه از کارگران از زندگی و طبقه اجتماعی‌شان راضی بودند، اما گروهی کارگر هم بودند که از شهرها و روستاها برای کار به کلانشهرها مهاجرت می‌کردند. این گروه بیشتر کارهای یدی انجام می‌دادند مثل کارگران ساختمان یا کارگران بازارها و میادین. سیستم تامین اجتماعی اینها را پوشش نمی‌داد، اما کار و شرایط زندگی به گونه‌ای بود که می‌توانستند معیشت زندگی روزمره خود را تامین کنند. از اواخر دهه ۴۰ به بعد این گروه خانواده‌های خود را به شهرهای بزرگ آوردند و حاشیه‌نشینی باب شد. اجتماع بزرگی بودند که با کار، زندگی خود را اداره می‌کردند.

گروه دوم آسیب‌پذیرترند و همین‌ها هستند که روز به روز ضعیف‌تر شده‌اند، شاید به این دلیل که آموزش و مهارت خاصی بلد نیستند و دولت هم از آنها حمایت زیادی نمی‌کند؟

این گروه، از زمانی که مهاجرت را آغاز کردند، آسیب‌پذیری‌شان هم شروع شد. این کارگرها با این پیش‌زمینه به شهرهای بزرگ آمدند که هر سختی را بپذیرند تا برای خانواده‌شان زندگی بهتری تامین کنند و فرزندانشان آینده بهتری داشته باشند. عده کمی از آنها موفق شدند، اما خیلی از آنها نابود شدند. در اواخر دهه ۴۰ کارگران زیادی دچار مرگ شدند و در گمنامی از این دنیا رفتند که حتما اسنادش در قانون پزشکی موجود است. آنها اولین قربانیان مهاجرت کارگری بودند، اما در کنار این تغییر بزرگ در ساختار جامعه و آسیب‌هایی که داشت، جامعه انسانی یکدست‌تر از امروز بود و مردم از یکدیگر حمایت بیشتری می‌کردند، غمخوار هم بودند و دست یکدیگر را می‌گرفتند. کارگرانی رشد می‌کردند و از شرایط سخت به شرایط بهتر می‌رسیدند که از حمایت مردم شهرنشین برخوردار می‌شدند، اما الان شرایط معکوس است، الان هر چقدر مردم متمول‌تر و پولدارتر هستند نسبت به هم‌نوعان خود بی‌تفاوت‌ترند و نسبت به دیگر انسان‌ها، سختگیرتر شده‌اند.

این نامهربانی چگونه رایج شد که به امروز رسید؟ فناوری و تغییر سنت به مدرنیته باعثش شد یا اخلاق دچار فروپاشی شد؟

اخلاق را از دست دادیم. در دام خودپرستی و طمع‌ورزی افتادیم و جامعه را در آستانه فروپاشی اخلاقی قرار دادیم. شرایط بد اقتصادی فعلی که یکشبه به وجود نیامده. در این حوزه دولت‌ها مقصر اصلی هستند که غفلت کردند. هرچند چارچوب‌های اجتماع در ظاهر بر مبنای اخلاق و انسان مومن پایه‌گذاری شده، اما در باطن این اتفاق رخ نداده و متاسفانه امروزه ما با بدبینی زیادی روبه‌روییم که روزبه‌روز بیشتر می‌شود و افراد جامعه دیگر به‌هم اعتماد ندارند. نگرانی درباره نسل‌های آینده وجود دارد، چون نسل‌های جدید ما هر چه جلوتر رفته‌ایم ناسازگارتر شده‌اند. همه اینها به دلیل عدم تعریف درست از اخلاق و مسؤولیت است. داریم ارزش‌ها را از دست می‌دهیم. من به آینده خیلی خوشبین نیستم مگر این که معجزه‌ای رخ دهد و حداقل مردم خودشان به خودشان رحم کنند یا نسل‌های آینده تصمیم به تغییر بگیرند.

در این چرخه‌ای که شما درباره آن صحبت کردید چه به سر قشر کارگر می‌آید؛ قشری زحمتکش که به اخلاق‌مداری و پایبندی به حلال و حرامی شهرت دارد؟

کارگرها در مکان‌هایی به‌نام کارخانه یا کارگاه‌های تولیدی کار می‌کردند و کارفرما یا صاحب کارخانه بخشی از موفقیت خود را در موفقیت و کامیابی کارگر خود می‌دید. این به بستان، تعادل را در تولید به‌وجود می‌آورد و هر دو طرف احساس خوبی داشتند، اما به مرور کارخانه‌ها و کارگاه‌های بزرگ تولیدی تعطیل شد و کارگران پراکنده شدند و دیگر جایی وجود ندارد که به کارگران آموزش بدهد یا آنها را تشویق کند که مهارت یاد بگیرند. معادله کارخانه، کارفرما و کارگر به‌هم ریخت. وقتی تولید و کارفرمایی نباشد بر روند کار و زندگی کارگر هم تاثیر می‌گذارد. وقتی کارخانه‌ای تصمیم به بازسازی و راه‌اندازی مجدد می‌گیرد اولین اقدامش گرفتن همه امتیازات از کارگر است. این باعث می‌شود امنیت از کارگر گرفته شود. او دیگر نه امنیت مالی دارد و نه تامین اجتماعی از او حمایت می‌کند. این کارگر ناامید نه می‌تواند به خانواده‌اش فکر کند و نه به آینده فرزندش. او نگران سلامتی خود و خانواده‌اش است. بیماری و هزینه درمان می‌تواند او و خانواده‌اش را از هم بپاشد. بیمه‌ها مثل قارچ زیاد شده‌اند، اما همه بیمه‌ها پولی و خصوصی هستند. بیمه‌ها حامی کارگران نیستند. خصوصی‌سازی که در ۳۰ سال اخیر دامن جامعه را گرفت، کارگران را از پای درآورد. فقط در دهه ۶۰ بود که اقتصاد به‌درستی مدیریت می‌شد و مردم به آینده امیدوار بودند. اما از دهه ۷۰ به بعد اقتصاد به سمت خصوصی‌سازی رفت و چون مدیریت درستی برای آن در نظر گرفته نشده بود اقتصاد و جامعه به نقطه‌ای رسید که الان همه نگرانیم. در این شرایط کارگران بیشترین آسیب را می‌بینند، چون هیچ پشتوانه‌ای ندارند. آنها حتی نمی‌توانند به شهری که خودش یا اجدادش از آن مهاجرت کرده‌اند، برگردند؛ چون آنجا هم امنیت اقتصادی و اجتماعی وجود ندارد. تنها راه نجات، مدیریت درست جامعه به‌خصوص بخش اقتصادی است. دولت وقتی در همه چیز دخالت می‌کند باید دخالتش در راستای سازندگی باشد نه از بین بردن امکانات و بی‌انگیزه کردن آدم‌ها.

افراد آسیب‌دیده چه شرایطی را به جامعه تحمیل می‌کنند؟

همین‌هایی که این روزها می‌بینیم و می‌شنویم، فرزندکشی، خودکشی، بزهکاری و... امنیت در جامعه به‌شدت پایین آمده پلیس مدام یادآوری می‌کند که مراقب سارقان باشیم. مردم وقتی زورشان به دولتمردان نرسد به جان هم می‌افتند. سامان دادن جامعه فقط به دست دولت است، طبق قانون اساسی دولت موظف است اشتغال‌زایی کند و برای کارگران و کارمندان و دیگر شاغلان شرایط نرمال به‌وجود آورد. این‌که مردم حواس‌شان به‌هم باشد و اخلاق و انسانیت را رعایت کنند؛ خیلی خوب است و باید در جامعه ترویج شود، اما وقتی اقتصاد فلج است و دولت هیچ راهی برای رونق آن ندارد اینها تبدیل به شعارهای شیک می‌شود که کاربردی ندارند. به‌خصوص برای کارگری که به نان شبش محتاج است.

مقطع حساس کنونی

ماجراهای شورانگیز مرد بقال در ادارات مالیاتی شروانشاهیان

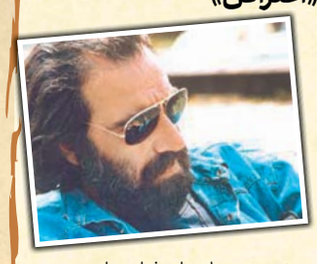


امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

در روزگار شروانشاهیان، مرد بقالی زندگی می‌کرد که -طبیعتا- از طریق بقالی با سختی، روزی خود و خانواده‌اش را تأمین می‌نمود. روزی در پایان سال مأمور مالیات به وی مراجعه کرد و برای درآمد سالانه او هزار سکه مالیات در نظر گرفت. مرد بقال گفت: ای مأمور مالیات، تمام سرمایه و دارایی من هزار سکه طلا نیست، چگونه هزار سکه مالیات برای درآمد من محاسبه کرده‌ای؟ مأمور مالیات گفت: من مأمورم و معذور. اگر شکایتی داری به دایره مالیاتی جاقرق مرکز مراجعه کن. فردای آن روز مرد بقال به دایره مالیاتی جاقرق مرکز مراجعه کرد و از زیادی مالیات بر درآمد خود شکایت کرد. رئیس دایره مالیاتی جاقرق مرکز گفت: ما مأموریم و معذور. اگر شکایتی داره به اداره مالیاتی جاقرق مراجعه کن. مرد بقال به اداره مالیاتی جاقرق و از آنجا به اداره کل مالیاتی بخش و از آنجا به ستاد اجرایی اخذ مالیات و از آنجا به حوزه وزارتی وزارت امور دارایی و مالیاتی مراجعه کرد. وزیر مالیات پس از شنیدن سخنان مرد بقال گفت: مردک، مملکت در شرایط تحریم است و درآمدهای نفتی به صفر رسیده است و پاندمی جهان را در نوردیده است، ابربدهکاران بانکی و مالیاتی که زیر بار نمی‌روند هیچ، تو هم با نیم‌متر ریش خجالت نمی‌کشی می‌خواهی مالیات ندهی و به خزانه مملکت دستبرد بزنی؟ مرد بقال بدون آن‌که چیزی بگوید بازگشت تا از اتاق خارج شود. وزیر مالیات گفت: چطور شد؟ مرد بقال گفت: الان متوجه شدم. مأموران شما نیز همچون شما محاسبه کرده‌اند. وزیر مالیات گفت: چی چی را؟ مرد بقال گفت: شما دو و نیم سانت ریش مرا نیم متر دیدید و ایشان نیز چندغاز درآمد مرا لابد ده هزار سکه دیدند که هزار سکه مالیات به آن بستند. وزیر که از حاضرجوابی مرد بقال خوشش آمده بود با او مهربان شد و به او بیست درصد تخفیف مالیاتی داد و مرد بقال از آنجاکه هشتصد سکه با هزار سکه فرقی به حالش نمی‌کرد، ورشکست شد و مغازه را فروخت و مالیاتش را داد و با تتمه‌اش یک شتر قسطی خرید و از آن پس به‌عنوان پیک شتری با سختی بیشتر روزی خود و خانواده‌اش را تأمین نمود.

مرور و عبور با جام جم ۲۰۰ سال قبل

نظر مسعود کیمیایی درباره «اعتراض»



مسعود کیمیایی کارگردان فیلم «اعتراض» در یک جمع غیررسمی که خبرنگاران حضور داشتند، گفت: فیلم اعتراض حرف‌های روزمره مردم است. از فیلم اعتراض چیزی حذف نشده و این فیلم قرار نیست القاکننده نظرات خاصی از یک گروه یا جناح باشد. فیلم اعتراض یک کار ایدئولوژیک نیست، بلکه سعی شده بخشی از نظرات مردم به‌خصوص جوان‌ها در فیلم مطرح شود.

این کارگردان درباره روح حاکم بر فیلم و تقابل سنت و مدرنیته گفت: سنت شامل احترام به تاریخ، سرزمین و فرهنگ است. در واقع مدرنیته پیامد سنت است. (صفحه ۳)

هشدار به تهرانی‌ها درباره اجاره مسکن

مردم برای پرداخت اجاره مسکن در تهران با مشکل روبه‌رو هستند.

یک کارشناس اقتصادی با بیان این مطلب به جام جم گفت: مشکلات اقتصادی، افزایش تورم، پایین بودن دستمزدها و بیکاری مردم را در پرداخت اجاره مسکن دچار مشکل کرده است.

وی با اشاره به این که متوسط قیمت یک مترمربع ساختمان مسکونی کلنگی، یک میلیون و ۴۰۳ هزار ریال است، گفت: متوسط قیمت یک مترمربع زیربنای واحد مسکونی، یک میلیون و ۶۷۰ هزار ریال است، در نتیجه برای پرداخت اجاره در هر ماه برای یک مترمربع باید مبلغی معادل ۵۳۷۵ ریال و ودیعه ۱۵۲ هزار و ۹۹۵ ریال پرداخت شود. این ارقام مربوط به سال ۷۸ است که متناسب با تورم هر سال افزایش پیدا می‌کند. (صفحه ۴)

نظر سیفا... داد، درباره هنرپیشه‌های قبل انقلاب



مراسم گشایش سالن شماره ۳ سینمای مرکزی تهران یکشنبه‌شب با حضور سیفا... داد، معاون سینمایی وزارت ارشاد برگزار شد.

داد در این مراسم گفت: کسانی که در اندیشه بازگشت فلان بازیگر قدیمی به عرصه سینما هستند باید افکارشان را عوض کنند. سینمای ایران نمی‌تواند به ۲۰ سال قبل برگردد و با حرکت به گذشته در روند رشد آن اخلال ایجاد شود. شاخص‌های جریان سینمای قبل از انقلاب تمام شده و ما امروز بزرگان زیادی در عرصه سینما داریم، چنان‌که چهره‌های سینمایی جدید ما به‌سرعت جهانی می‌شوند، در حالی که زمانی بود که فیلمسازان کشورمان به زحمت در داخل کشور به محبوبیت دست پیدا می‌کردند. وی تاکید کرد: «سیستم متکی به ستاره‌سالاری یا فیلمی که تنها با طبقات پایین جامعه ارتباط برقرار می‌کرد در شرایط فعلی قابل اجرا نیست». گفتنی است برخی هنرپیشه‌های پیش از انقلاب ادعا کرده‌اند از سوی برخی مسؤولان برای کار به داخل کشور دعوت شده‌اند. (صفحه ۱۲)

آرنولد دیگر حامی خشونت نیست



آرنولد شوارتزنگر در قرن جدید تغییر رویه داده است.

بعد از آن که این بازیگر عضلانی سینما در فیلم پایان روزها از یک پیرزن کتک خورد حالا نوبت به مخالفت او با اسلحه رسیده است.

آرنولد که در فیلم‌های مختلف از انواع و اقسام سلاح‌های عجیب و غریب استفاده کرده، حاضر نیست برای آگهی تبلیغاتی فیلم جدیدش که ششمین روز نام دارد، با اسلحه عکس بیندازد.

شرکت سونی که تهیه‌کننده فیلم است از آرنولد درخواست کرد با یک اسلحه بزرگ عکس بیندازد تا در پوستر فیلم از آن استفاده شود، اما آرنولد ۵۱ ساله این درخواست را رد کرد و گفت تمایلی ندارد به حمایت از خشونت در فیلم‌های سینمایی متهم شود. (صفحه ۳)

چگونگی دریافت وام مسکن (مشاوره اقتصادی)

تمامی کارکنان رسمی و قراردادی و سایر عناوین مشابه با دارا بودن حداقل دو سال سابقه کار شاغل در وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و واحدهای تابعه آنها که به موجب قانون بودجه سالانه آنها در بودجه کل کشور درج می‌گردد و همچنین کادر نیروهای نظامی و انتظامی می‌توانند از تسهیلات اعطایی حساب عادی صندوق پس‌انداز مسکن به ازای هر شش ماه یک بار متوسط موجودی، حداکثر تا هفت و نیم برابر متوسط موجودی و تا سقف ۲۵ میلیون ریال تسهیلات به منظور خرید واحد مسکونی بهره‌مند شوند. مدت زمان بازپرداخت تسهیلات اعطایی ۲۰ سال است. در ضمن بازنشستگان دولت و کارکنان بانک‌ها به ازای هر ۹ ماه یک برابر متوسط موجودی و حداکثر تا هفت و نیم برابر تا سقف ۲۵ میلیون ریال نیز می‌توانند از مزایای این حساب بهره‌مند شوند. (صفحه ۴)


جام جم
رئیس کل دادگستری استان تهران:
روزنامه‌های ۲ هفته دیگر به دادگاه می‌روند
فقط ۳ روز فرصت دارید
مسابقه بزرگ جام در جام
از ۵۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰۰
گزارش جام‌جم درباره آثار زیانبار رشوه بر رفتار اجتماعی
رشوه نمی‌خواهم وسوسه‌ام نکن
گزارشی از عکس‌های «طبیعت‌وزندگی روزانه امیا» - تهران، خرداد ۷۹
شرق، این بار از یونسکو طلوع می‌کند